

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سازمان انقلابی افغانستان

۳۰ سپتمبر ۲۰۱۷

کار دموکراتیک انقلابی و غیر انقلابی

کار دموکراتیک و دیدگاه های متفاوت

(۱)

۴- کار دموکراتیک انقلابی

این دیدگاه ضمن رد سه دیدگاه فوق الذکر بر کار دموکراتیک انقلابی پافشاری نموده و آن را در حرف و عمل تطبیق می کند. ما باور داریم که کار دموکراتیک انقلابی را باید جدی گرفت؛ در راستای آن با انرژی و پشتکار فعالیت نمود؛ اصول انقلابی را در کار دموکراتیک در نظر گرفت و کار دموکراتیک را در خدمت کار سوسیالیستی قرار داد. انقلابیون افغانستان حق ندارند که در چنبره محافل ترویجی محدود بمانند و مصروفیت و فعالیت شان را تنها کتابخوانی و بحث و جدل در باره تئوری های کلاسیکران مارکسیزم بسازد.

ترویج انقلابی را باید از طریق تبلیغ انقلابی میان توده ها برد و تئوری و پراتیک را با هم گره زد. بدون تئوری انقلابی نمی توان پراتیک انقلابی داشت و بدون پراتیک نمی توان انقلاب را به پیروزی رساند. تئوری بافی و منحصر ماندن در محافل مطالعه و کتابخوانی، درد توده ها را مدوا نمی کند؛ نمی تواند راهگشا باشد؛ نمی تواند کشتی مبارزه توده ها را به ساحل پیروزی برساند و پرچم سوسیالیزم را به اهتزاز درآورد؛ مگر این که با عمل و پراتیک انقلابی پیوند بخورد. میدان پراتیک و عمل میدان توده هاست، خانه و کاشانه توده هاست، محل کار توده هاست، جایی است که توده ها در آن اعتراض می کنند، به خشم می آیند و نفرت و کینه خود را از دستگاه استعماری ابراز می دارند؛ جایی است که فریادهای حق خواهی توده ها در آن طنین انداز شده و رعشه بر پیکر استعمار و استبداد می اندازد. انقلابیون باید در چنین میدان شکوهمندی حضور داشته باشند و پیوندهای توده ئی خود را عمیقتر و فشرده تر سازند.

در شرایط کنونی کشور ما، فعالیت عملی انقلابیون بر سه محور می چرخد: مبارزه علیه اشغال و تأمین استقلال ملی؛ مبارزه علیه استبداد و جنایت و شناعت حاکمیت طبقات مرتجع که عمال امپریالیزم به شمار می روند و یا هم نیروهای فاشیستی و مستبدهی که در خارج از دولت پوشالی کنونی جنایت می کنند؛ و مبارزه برای جامعه سوسیالیستی از طریق رهبری مبارزه پرولتاریا و توده های زحمتکش. هر فعالیتی سوای این سه محور، فعالیت غیر انقلابی، غیر کمونیستی و شدیداً ارتجاعی و در خدمت امپریالیزم و اشغالگران است.

مبارزه اولی مبارزه ملی، دومی دموکراتیک و سومی سوسیالیستی است. این سه نوع مبارزه و فعالیت با هم پیوند لاینفک دارد و جدا کردن آن و یا به طاق نسیان سپردن یکی از آن ها کار کمونیستی نیست. معذاً، بر انقلابیون است که با در نظر داشت تضاد عمده کشور، در کنار این که توان و نیروی خود را بر مبارزه ملی - دموکراتیک متمرکز می سازند، مبارزه سوسیالیستی را نباید فراموش کنند، زیرا انقلابیون تا جایی میهن دوست هستند که میهن دوستی پرولتری برای هدف غائی یعنی استقرار سوسیالیزم کمک کند. تاریخ جنبش ما نشان می دهد، در صورتی که میهن دوستی بر پایه سوسیالیزم استوار نباشد (میهن دوستی پرولتری نباشد) منتج به انحرافات می گردد؛ چنانچه میهن دوستی محض، نیروهای عمده چپ را تا سطح مبارزه برای «جمهوری اسلامی» به انحراف کشاند.

با در نظر داشت پیوند مبارزه ملی با مبارزه دموکراتیک و مبارزه سوسیالیستی است که ما در حال حاضر خواهان انقلاب ملی - دموکراتیک هستیم که هدف نهائی آن را سوسیالیزم می سازد. یعنی انقلاب ملی - دموکراتیک را باید همزمان به پیش برد و برای سمتدهی مبارزه توده ها، باید آن را بر ترویج انقلابی و اصول کمونیستی عیار ساخت، در غیر آن ثمره آن توسط طبقات استثمارگر ربوده می شود و توده ها کماکان در اسارت استثمار و استبداد باقی می ماندند و نمی توان به سوسیالیزم رسید.

انقلابیون کار دموکراتیک را به منظور روشنگری و آگاهی توده ها، پیوند با توده ها، ترغیب همبستگی توده ها، جلب و جذب پیشروترین آنان به تشکیلات انقلابی، افشای جنایت و بربریت امپریالیزم و سمت و سو دادن مبارزه توده ها و ارتقای مبارزه صنفی توده ها تا سطح مبارزه سیاسی و بردن ایده ها و نظریات انقلابی میان توده ها روی دست می گیرند. انقلابیون ضمن این که به مبارزه سیاسی توده ها پهلوی می زنند و به آن اهمیت درخور قائل هستند، مبارزه اقتصادی توده ها را نیز فراموش نمی کنند. ما باید در هر دو جبهه دموکراتیک (سیاسی و اقتصادی) فعال باشیم و برای لحظه ای هم از پهلوی زدن به این دو نوع مبارزه و تبلیغات در راستای آن، درنگ نکنیم.¹

با اشغال افغانستان در پهلوی این که استقلال سیاسی کشور ما از بین رفته و مبارزه سیاسی برای راندن اشغالگران و سرنگونی ایادی پوشالی (سرمایه داران کمپرادور و مالکان ارضی) در اولویت قرار دارد، در عین زمان ستم و فشار اقتصادی، روزگار توده ها را تیره و تار ساخته است. توده های کشور ما در بدترین وضعیت اقتصادی به سر می برند. اگر از یک سو میلیون ها جوان بیکار است، از سوی دیگر افزایش قیمت ها توسط محتکرین، استثمار بی رویه از سوی سرمایه گذاران کمپرادور در فابریکه ها و شرکت های تولیدی، برخورد غیر انسانی در سکتور خدماتی، نبود بیمه و حقوق تقاعد، عسرگیری های جهادی ها و طالبان، غصب زمین های زراعتی دهقانان به وسیله مافیای جهادی، عدم اجرای اضافه کاری، عدم پرداخت معاش به وقت و زمان معین و گاه زیر زدن آن، شرایط بد کار، استخدام کودکان در کار، بردگی اطفال در کوره های خشت پزی، استخدام کودکان و زنان برای گدائی و درپوزه گری، بیگاری دهقانان در روستاها و... زندگی اقتصادی کارگران و تمام طبقات زحمتکش را به سوی نیستی سوق داده است. از این رو بر

¹ «سوسیال دموکرات ها ضمن این که بین کارگران بر زمینه خواست های فوری اقتصادی تبلیغ می کنند، در عین حال تبلیغ بر زمینه احتیاجات سیاسی فوری، بدبختی ها و خواست های طبقه کارگر، تبلیغ به ضد تعدیات پولیسی که در هر اعتصاب و در هر یک از تصادمات کارگران با سرمایه داران بروز می کند، تبلیغ به ضد محدودیت حقوق کارگران از نقطه نظر یک هم کشور روس عموماً و از نقطه نظر این که ستمدیده ترین و مسلوب الحقوق ترین طبقات هستند خصوصاً و بالاخره تبلیغ به ضد هر نماینده برجسته و قره نوکر استبداد را که در تماس مستقیم با کارگران قرار می گیرد و بردگی سیاسی طبقه کارگر را آشکارا به وی نشان می دهد نیز به طور لاینفکی با آن مربوط می نمایند. همان طور که هیچ مسأله ای از زندگی کارگر در رشته اقتصادی وجود ندارد که نتوان از آن برای تبلیغات اقتصادی استفاده نمود، به همین منوال هم در رشته سیاسی هیچ مسأله ای وجود ندارد که نتوان آن را موضوع تبلیغات سیاسی قرار داد. در فعالیت سوسیال دموکرات ها این دو نوع تبلیغ به طور تفکیک ناپذیری همانند دو طرف یک مدال به یکدیگر مربوطند. خواه تبلیغات اقتصادی و خواه تبلیغات سیاسی هر دو به طور یکسان برای بسط شعور طبقاتی پرولتاریا ضروری می باشد، چه تبلیغات اقتصادی و چه تبلیغات سیاسی به طور یکسان برای رهبری مبارزه طبقاتی کارگر روس ضروری می باشند، زیرا هر مبارزه طبقاتی مبارزه سیاسی است.» (وظایف سوسیال دموکرات های روس - لنین)

انقلابیون است که تبلیغات در بخش مبارزه اقتصادی را فراموش نکرده و تلاش کنند تا انواع گوناگون این ستم های اقتصادی را به اعتراض سیاسی و مبارزه سیاسی تبدیل نمایند. این مبارزه ضمن این که در راستای کاهش رنج و ستم بر طبقات زحمتکش مفید واقع شده و سبب بهبود نسبی شرایط اقتصادی زحمتکشان می شود، طبقات حاکمه را وادار به عقب نشینی می کند. انقلابیون با حمایت از مبارزه اقتصادی توده ها، اشغالگران و دولت پوشالی را باید به قول لنین «در حالت خوف دایمی نگه دارند».

اما چنانچه تذکر رفت، مبارزه سیاسی جنبه مهم مبارزه دموکراتیک ماست که باید کار و تبلیغات را درین زمینه جدی گرفت، چون امپریالیست های امریکائی - ناتوئی و عمال پوشالی آنان و فاشیست های طالب و داعش با ستم و تعدی و جنایتی که در حق مردم ما روا می دارند، مبارزه دموکراتیک را در این عرصه از اهمیت بسزائی برخوردار می سازد که به هیچ صورت باید دست کم گرفته نشود.

در بخش مبارزه و تبلیغات سیاسی باید علیه هر نوع ستمی که بر طبقات زحمتکش می رود، موضعگیری صورت گیرد. از کوچکترین ستم و تعدی گرفته تا بزرگترین ستم، باید در رؤس کار دموکراتیک و مبارزه سیاسی و تبلیغات سیاسی قرار بگیرد. از افشای تحقیر و توهین زحمتکشان گرفته تا کشتار آنان توسط دشمنان بیرحم و قسی القلب باید جزء کار دموکراتیک و مبارزه سیاسی ما باشد. هیچ مسأله مربوط به زحمتکشان نباید برای ما کم اهمیت جلوه کند و نباید در قبال آن بی تفاوت بمانیم و با کرختی از کنار آن بگذریم.

با وجودی که تبلیغات سیاسی و تبلیغات اقتصادی دو روی یک سکه هستند، اما چنانچه گفته شد در میان این دو، توجه بیشتر ما باید بر مبارزه سیاسی و تبلیغات سیاسی باشد، زیرا: در مبارزه اقتصادی طبقات زحمتکش (کارگر، دهقان و خرده بورژوازی) هر طبقه منافع خود را تعقیب کرده و در ساحة کاری خود فعالیت می کند و به ندرت اتفاق می افتد که کارگران از مبارزه اقتصادی دهقانان حمایت کنند و عکس آن؛ طور مثال اگر کارگر شرکت افغان بیسیم برای بهبود شرایط کار و یا بیمه دست به اعتراض و مبارزه اقتصادی بزند، یک دهقان روستائی هیچ گاه به حمایت از این اعتراض و مبارزه بر نمی خیزد، زیرا مبارزه اقتصادی عمدتاً مبارزه صنفی است که در چارچوب منافع اقتصادی طبقاتی شکل می گیرد.

ولی از آن جائی که ستم و تعدی اشغالگران امپریالیست و دولت پوشالی و فاشیست های طالب و داعش تمام طبقات زحمتکش را به سوی فلاکت و نیستی می کشاند، از این رو در این مبارزه سیاسی، تمام طبقات زحمتکش سهم می گیرند. کارگران، دهقانان و خرده بورژوازی و در جائی که منافع بورژوازی ملی از سوی امپریالیست ها تهدید می شود، همه در مبارزه علیه ستم اشغالگران امپریالیست و ایادی آنها به اشکال گوناگون سهم می گیرند. معذک، مبارزه سیاسی، مبارزه همبستگی توده های ستمدیده و زحمتکش است که باید در راستای آن فعال بود و هیچ فرصتی را از دست نداد و در ستمدهی آن باید جداً تلاش نمود. بر انقلابیون است که به افشاگری در زمینه مبارزه سیاسی جداً توجه نمایند؛ زیرا «افشاگری های همه جانبه سیاسی شرط ضروری و اصلی پرورش روح فعالیت انقلابی توده می باشد».

(لنین)

یکی از بخش های مهم تبلیغات سیاسی، کار در زمینه افشاگری های سیاسی است. این افشاگری های سیاسی که در حال حاضر با در نظر داشت وضعیت اشغالی کشور ما علیه امپریالیزم و ایادی آن، علیه فاشیست های طالب و داعش و علیه طبقات حاکمه ارتجاعی که در صف اشغالگران قرار دارند صورت می گیرد، می تواند در آگاهی مردم نقش بسزائی ایفا کند. در ضمن، افشاگری های سیاسی علیه جنایت و بریریت و شناخت ستمگران اشغالگر و عمال پوشالی آن و سایر فاشیست ها و مزدوران انجوائی و غیر انجوائی و «مدنی» و «غیر مدنی» می تواند به مثابه اعلام جنگ علیه اشغالگران

تلقی گردد؛ میان نوکران و جناح های گوناگون دولت پوشالی سبب بی اعتمادی بیشتر گردد و آنانی را که رشته های ضعیفی با دولت پوشالی دارند، از دولت پوشالی جدا نماید.

انقلابیون وظیفه دارند که دامنه افشاگری های سیاسی را وسعت ببخشند. از کوچکترین و ادنی ترین مسائل گرفته تا قتل عام مردم ما توسط امپریالیست ها و ایادی شان را افشاء سازند، نارضایتی مردم را مایه ای برای افشاگری انقلابی بسازند و در زمینه افشاگری پیشاهنگ باشند. کمونیست های انقلابی، به خصوص در جریان اشغال کشور نمی توانند افشاگری های خود را محدود به ستم و تعدی بسازند که بر طبقه کارگر می رود، بلکه این توانایی را باید پیدا کنند که ساحة افشاگری های شان را به تمام ستم ها و جنایاتی که بر سایر طبقات زحمتکش می رود، وسعت بخشیده و با روحیه انقلابی در این راستا تلاش نمایند. اگر انقلابیون به نام طبقه کارگر از افشاگری تعدی و ستمی که بر سایر طبقات زحمتکش صورت می گیرد، ابا و ورزند، به قول لنین «در این صورت معرفت طبقه کارگر نمی تواند معرفت حقیقتاً سیاسی باشد» و اگر انقلابیون به مثابه پیشاهنگ پرولتاریا نیاموزند که در افشاگری ها و فعالیت های سیاسی، تمام طبقات زحمتکش را که تحت ستم و تعدی قرار دارند، با ارزیابی و تحلیل ماتریالیستی در نظر بگیرند، «در این صورت معرفت توده های کارگر نمی تواند معرفت حقیقتاً طبقاتی باشد».

افشاگری سیاسی نمی تواند التقاطی باشد، آش دستپخت انجونی باشد و ملغمه ای از سیاست انقلابی و ضد انقلابی و تبلیغ انقلابی و ضد انقلابی. افشاگری نمی تواند در کشور اشغال شده علیه بنیادگرائی باشد و له امپریالیست ها؛ نمی تواند علیه امپریالیزم امریکا باشد و له امپریالیزم ایتالیا؛ نمی تواند علیه امپریالیست های انگلیس باشد و له امپریالیست های اتحادیه اروپا؛ زیرا تمام اینها در چوکات ناتو اشغالگران کشور ما و دشمن خلق های تهیدست ما هستند. تبلیغ و یا ساکت ماندن در مورد یکی از این اشغالگران و یا از سازمان های مربوطه آن فند گرفتن و در حرف ضد آنان شعار دادن، افشاگری انقلابی نبوده، بلکه عمل ارتجاعی و ضد انقلابی است.

افشاگری سیاسی نمی تواند پوپولیستی باشد و یا با نبض انجوها حرکت کند. افشاگری سیاسی باید بر بنیاد اصول مارکسیستی شکل بگیرد و مبرا از انحرافات باشد. افشاگری سیاسی انقلابی، ضمن افشای سیاست های اشغالگران تمام امپریالیست های اشغالگر در کشور ما، تمامی جناح دولت پوشالی، فاشیست های طالب، داعش، جهادی ها، انجوها، جامعه مدنی، رسانه های مزدور، جواسیس و... را آماج حمله خود قرار می دهد.²

نتیجه این که: انقلابیون باید به مبارزه سیاسی و مبارزه اقتصادی توده ها و در کل به کار دموکراتیک و کار سوسیالیستی رسیدگی نمایند و از آن برای تقویت جنبش انقلابی و مبارزه علیه اشغالگران استفاده اعظمی ببرند. کلیت این مبارزه، انقلابیون را به توده ها نزدیک کرده و آنان را به مبارزان عمل تبدیل می کند. در صورتی که نتوانیم مبارزه سیاسی و اقتصادی و کار دموکراتیک و سوسیالیستی را به حیث یک واحد کل در نظر بگیریم، به انسان های افاده فروش کتابی و طمطراق و ماجراجو تبدیل می شویم که شایسته آکادمیسین های بورژوائی است نه انقلابیون کمونیست.³

² «... ما سوسیال دموکرات ها موجبات این افشاگری ها را برای عامه مردم فراهم می سازیم؛ به این صورت که همه مسائلی که در امر تبلیغات به میان می آید همواره با روح سوسیال دموکراتیک تشریح شده و هیچ گونه چشم پوشی و اغمازی نسبت به تحریفات عمدی و غیر عمدی در مارکسیزم نخواهد شد؛ به این صورت که این تبلیغات سیاسی همه جانبه از طرف حزبی به عمل خواهد آمد که هم حمله به حکومت به نام عموم مردم، هم پرورش انقلابی پرولتاریا را در عین حفظ استقلال سیاسی وی و هم رهبری مبارزه اقتصادی طبقه کارگر و استفاده از آن تضامات خود به خودی وی با استعمارکنندگان را که پیوسته فشرهای جدیدی از پرولتاریا را برپا داشته و به اردوی ما جلب می نماید، - همه و همه را در یک واحد لایتجزی متحد می سازد!» (چه باید کرد؟ - لنین)

³ «... جمع کردن مسائل اقتصادی و سیاسی و فعالیت سوسیالیستی و دموکراتیک در یک واحد کل و در یک مبارزه واحد طبقاتی پرولتاریا، باعث ضعف جنبش دموکراتیک یا مبارزه سیاسی نمی شود، بلکه باعث تقویت آن می گردد، بدین معنی که آن را به منافع واقعی توده های

برای اینکه بتوانیم در زمینه کار دموکراتیک به طور مؤثر فعال باشیم، باید در انتخاب و تعیین ابزارهایی که برای این نوع مبارزه و فعالیت استفاده می کنیم، دقت لازم به خرج دهیم. ما در بخش «کار دموکراتیک ارتجاعی و غیر انقلابی» (اکتوبریست) «ها» به ابزارهای غیر انقلابی و ارتجاعی که به نام کار دموکراتیک مورد استفاده قرار می گیرند، اشاره کردیم. در اینجا شماری از ابزارهای عمده کار دموکراتیک انقلابی به طور مختصر و گذرا بیان می گردد.

مردم نزدیک می کند، مسایل سیاسی را از «تنگنای اتاق کار روشنفکران» به خیابان و محیط کارگران و طبقات زحمتکش می کشاند، به جای ایده های مجرد در باره ستمگری سیاسی، نمودارهای واقعی این ستمگری را، که بیش از همه پرولتاریا از آن رنج می کشد و زمینه تمام تبلیغات سوسیال دموکراسی است، قرار می دهد و بدین طریق این مبارزه را تقویت می نماید.» (وظایف سوسیال دموکرات های روس - لنین)